

## دزد و دزدی

دزد آن نیست که برای شکم گرسنه نان می دزدد  
 دزد آنست که روزی را از دست و دهان می دزدد  
 دزد آن نیست که دارو را بهر درمان می دزدد  
 دزد آنست که پوست از جسم بی جان می دزدد  
 دزد آن نیست که ژنده برای تن عریان می دزدد  
 دزد آنست که مرکب سرکار را با پالان می دزدد  
 دزد آن نیست که پرکاهی از کاهدان می دزدد  
 دزد آنست که قافله را با سر و سامان می دزدد  
 دزد آن نیست که گریه هایش را پنهان می دزدد  
 دزد آنست که اشک از چشمان گریان می دزدد  
 دزد آن نیست که اندکی عشق از خوبان می دزدد  
 دزد آنست که با تجاوز گوهر از انسان می دزدد  
 دزد آن نیست (ناتور) که می شرمد و نهان می دزدد  
 دزد آن است که با بی شرمی آشکار و عیان می دزدد